انترناسیونال 755

حسن صالحی

**سوئد: در باره ممنوعیت فعالیت مدارس مذهبی**

**یک موفقیت دیگر برای جنبش ما!**

روز سه شنبه ۱۲ مارس ۲۰۱۸ حزب سوسیال دمکرات سوئد در جریان یک کنفرانس مطبوعاتی از زبان دو وزیر دولت ائتلافی اش اعلام داشت که از نظر این حزب فعالیت مدارس مذهبی خصوصی باید متوقف شود. چند سالی است که در این حزب بحث در باره این مسئله بالا گرفته بود و اکنون حزب سوسیال دمکرات سوئد اعلام می دارد که بحث توقف فعالیتهای مدارس مذهبی یکی از موضوعات مهم در مباحث انتخاباتی پیش رو خواهد بود.

اردلان شکرآبی، وزیر امور مدنی از حزب سوسیال دموکرات، در کنفرانس خبری در این باره گفته است: "درمدارس سوئد معلمان باید قدرت داشته باشند نه امام‌‌ها و کشیش‌ها". انا اکستروم، وزیر دبیرستانها و ارتقا دانش به رادیو سوئد گفته است: "برای ما خیلی مهم است که اجازه ندهیم، دانش آموزان در مدارس سوئد، در هیچ شرایطی تحت تاثیر مذهب قرار گیرند."

به گفته اردلان شکر آبی وزیر امور مدنی، در سال‌های اخیر فعالیت‌های مذهبی در سوئد باعث رشد تبعیض، نابرابری و جداسازی بیشتر در جامعه شده است. موضوعی که به گفته سوسیال دمکراتها با استانداردهای مدارس سوئد که باید محلی برای کسب دانش و ارزش های برابر باشد همخوانی ندارد.

آنچه که سوسیال دمکراتهای در پی آن هستند این است که مذهب در تدریس و آموزش و پروش جایی نداشته باشد و در طول اقامت دانش آموز در مدارس چه در مراسم صبحگاهی و یا موارد دیگر اثری از مذهب وجود نداشته بشد. جالب است که طبق یک نظرسنجی صورت گرفته در سوئد از هر چهار نفر سه تن خواهان ممنوعیت مدارس مذهبی هستند.

صرفنظر از اینکه این بحثها به چه سرانجامی منتهی شود نفس اینکه بزرگترین حزب سیاسی سوئد از توقف فعالیتهای مدارس مذهبی حرف می زند و آنرا به یکی از گفتمان های اصلی انتخابات تبدیل کرده است یک موفقیت برای سکولاریسم و جنبش ضد مذهبی است. موفقیت برای کسانی که سالهالی زیادی برای ممنوعیت مدارس مذهبی در سوئد جنگیده اند. دلایلی که برای رد مدارس مذهبی از زبان وزرای دولت اعلام می شود همان استدلالاتی است که کمونیستهای کارگری، چپ های مترقی و سکولاریست ها از دو دهه قبل در دهها نامه سرگشاده و بیانیه و قطعنامه به مناسبتهای مختلف در جامعه سوئد بارها اعلام داشته اند.

در پی یک مبارزه وسیع و گسترده در دفاع از ارزشهای سکولار و علیه عواقب بسیار زیانبار نفوذ مذهب در محیطهای اسلامی که کمونیستهای کارگری از دهه ۹۰ میلادی در سوئد پرچمدارش بودند اکنون ما به اینجا رسیده ایم که حزب سوسیال دمکرات از توقف مدارس مذهبی حرف می زند. این موفقیت آسان بدست نیامده است. دهها جلسه و کنفرانس در این مورد برگزار شده است. مقالات متعددی در این خصوص به منظور آگاه سازی عموم به رشته تحریر در آمده است. اعتراض ها صورت گرفته و تظاهرات ها برگزار شده است. و شماری از فعالین این جنبش رادیکال حتی با تهدیدات جریانات مرتجع مذهبی و اسلامی روبرو بوده اند و بی وقفه برای تحقق این هدف تلاش کرده اند.

اولین ابراز وجود علنی این جریان در سوئد به اعتراضی بر می گردد که از سوی اسرین محمدی در صحن مجلس به سکوت سیاستمداران این کشور در قبال قتل های ناموسی انجام گرفت. سخنان تکان دهنده اسرین محمدی، دختر جوانی، که از وضعیت دختران و کودکان در محیط های اسلام زده و پدرسالار حرف زد چنان به دل جامعه نشست که سیاستمداران سوئد اعلام کردند که "گوش ما را باز کرد". سپس تعدادی از کادرهای حزب کمونیست کارگری پلاتفرمی را در دفاع از زنان و کودکان در محیط های اسلامی در سالهای اخر ۹۰ به زبان سوئدی و فارسی منتشر کردند. برخی از موضوعات این پلاتفرم ممنوعیت مدارس مذهبی، ممنوعیت حجاب کودکان و ممنوعيت هرگونه تخفيف با هرتوجيهى در مجازات کسانى بود که به اذيت و آزار و قتل زنان دست ميزنند. این امر باعث شد که تئوری های نسبیت فرهنگی که همه خرافات و ارتجاع مذهبی را تحت عنوان " فرهنگ خودی" تقدیس می کرد در منگنه فشار و تعرض سیاسی جنبش ما قرار گیرد.

نمونه دیگری از موفقیت جنبش ما در سوئد شکست طرح دولت وقت سوئد برای آموزش "امامان مساجد" در این کشوردر سال ۲۰۰۹ بود. در آنزمان ما اعلام کردیم که نمی شود از یکطرف زیر بغل اسلامی ها را گرفت، به آنها اعتبار بخشید، امکانات دولتی را در اختیارشان گذاشت و بعد هم  دم از مبارزه با "تندگرایی اسلامی" زد. ما گفتیم این ادعا که می توان با آموزش امامان با "تندگرایی اسلامی" مقابله کرد نه فقط دلایل واقعی عروج جریانات اسلامی در غرب را قلب می کند، بلکه پوششی است برای مماشات و سازش بیشتر با آنها! بحث اصولا بر سر این نیست که گویا ملاهای ساکن اروپا به زبان و فرهنگ کشوری که زندگی می کنند مسلط نیستند و یا با  ارزشها و نرم های جوامع غربی آشنایی ندارند. مسئله بر سر این است که این جماعت هر چه که باشند و هر جا که باشند از ارزشهایی دفاع می کنند که ناقض حقوق انسانی است. ما گفتیم که دولت، بویژه دولتی که ادعای سکولار بودن دارد مجاز نیست که امکانات دولتی را در اختیار آنها قرار دهد. اصل جدایی مذهب از دولت که از موازین یک جامعه سکولار بحساب می یابد یک اصل خدشه ناپذیر است که در همه سطوح باید به اجرا گذاشته شود. فعالین حزب ما حتی اسنادی از خطبه ها و آموزش های امام جمعه های مرتجع تهیه کردند و در سطح جامعه منعکس کردند.

در زمینه مدارس مذهبی در یکی از آخرین بیانیه هایی که به ابتکار ما منتشر شد و به امضای شمار زیادی از شخصیتهای سوئدی و ایرانی رسید، ما نسبت به خبر منتشر شده مبنی بر جداسازی دختران و پسران دانش آموز در اتوبوس یک مدرسه مذهبی یکبار دیگر به صراحت خواهان ممنوعیت مدارس مذهبی شدیم. ما اعلام کردیم که مدرسه مکانی برای کسب علم و دانش است. مدرسه مکانى براى رشد فکرى و جسمى کودکان بر مبناى دستاوردهاى علمى، فرهنگى و مترقى بشرى است. ما گفتیم که در مدارس مذهبی از تربیت آزاد و مستقل کودک با یک روح انتقادی جلوگیری می شود. در مدارس مذهبی با ارائه برداشت های تعصب آمیز، غیر مدرن و سرکوبگرانه مذهبی از رشد نرمال کودکان جلوگیری بعمل می آید. در مدراس مذهبی، تقسیم بندی های مذهبى، فرهنگى، و یا قومى و ملى و جنسیتی، هویت جهانشمول انسانی را نقض می کند.

در سال ۲۰۱۲ بدنبال افشا شدن فعالیت زن ستیزانه و ارتجاعی امامان مساجد در سوئد در برنامه تلویزیونی "ماموریت بررسی" ما در یک بیانیه مفصل خواستار آن شدیم که هرگونه باج دهی و امیتاز دادن دولت و کمونها به جریانات اسلامی باید متوقف شود. ما گفتیم این امامان نماینده مردم منتسب به مسلمان نیستند. همکیشان اینها در ایران و عراق و افغانستان و عربستان مشغول سرکوب و کشتار مردم هستند و اکثر قریب به اتفاق مهاجرین از کشورهای اسلام زده از دست امثال همین امامان فرار کرده اند. بخش بزرگی از ساکنان سوئد که پیشینه خارجی دارند سکولار هستند. به علاوه، اکثر آنهایی هم که مسلمانند با این نمایندگان خودگمارده مخالفند.

در پاییز سال ۲۰۱۲ اعتراضات ما به درخواست پخش اذان مسجدی در محله فیتیا واقع در کمون بوت شیرکا در جنوب استکهلم اگر چه نتوانست جلوی این مسئله را بگیرد ولی باعث شد که کمونهای دیگر به درخواستهای متعددی که از سوی اسلامی ها برای پخش اذان داده بودند، پاسخ مثبت ندهند. ما گفتیم که اعتقادات مذهبی افراد امری در حیطه خصوصی است و نباید با جار زدن از طریق پخش اذان به دیگران تحمیل شود و آسایش دیگران را بر هم زند.

یکی دیگر از بندهای پلاتفرم ما در دفاع از کودکان و علیه قوانین ارتجاعی اسلامی نیز چهار سال قبل به تصویب دولت سوئد رسید. در سال ۲۰۱۴ در اثر تلاشهای زیاد، قوانینی در سوئد مبنی بر ممنوعیت ازدواج کودکان و ازدواج اجباری و جنایی کردن این موارد به تصویب رسید. به موجب این قوانین ازدواج های غیررسمی کودکان که جنبه قانونی ندارند، اما درعمل به مثابه ازدواج تلقی می شوند ممنوع شد و هرگونه استثنا یا امکان بخشودگی برای ازدواج کودکان در قانون حذف گردید. همچنین برای کسانی که فرزندان خود را مجبوربه ازدواج می کنند حداقل چهار سال زندان در نظر گرفته شد که اولین حکم قضایی در این مورد در سال ۲۰۱۶ صادر شد. این قوانین اگر چه ناقص و علیرغم گستردگی اجبار در ازدواج و ازدواج کودکان کمتر به مورد اجرا کذاشته شده اند و از این نظر مورد انتقاد فعالین اجتماعی بوده اند ولی بهرحال گامی رو به جلو و یک موفقیت بود ه است.

اینها گوشه های از نبردهای جریان چپ و سکولار و کمونیست های کارگری در سوئد در دفاع از موازین سکولار و ارزشهای جهانشمول انسان بود که اکنون بیش از پیش ثمره آن را می بینیم. دولت سوئد بتدریج و گام به گام در مقابل مبارزات بخش چپ جامعه و مشخصا پلاتفرمی که ما سالها برای آن تلاش کردیم عقب نشسته است اما در این دو سه دهه مماشات کودکان هزینه زیادی دادند، هزاران کودک تحت آموزش های امام جمعه ها و جریانات کثیف اسلامی قرار گرفتند و جسم و روحشان آسیب زیادی دید. اگر اینهمه مماشات صورت نگرفته بود قطعا جریاناتی مثل داعش اینهمه نیرو از این کشور نمیگرفتند و چه بسا ترورهای اسلامی ها در استکهلم و ... صورت نمیگرفت و جامعه سوئد امروز جامعه امن تری بود.

از همان آغاز هدف ما این بود که در شرایطی که در غرب رویکرد تازه ای مبنی بر تعامل با اسلام سیاسی وجود داشت، هر چه بیشتر و تعرضی تر به صحنه وارد شویم و علیه دخالت مذهب و اسلام در زندگی مردم و سازش و مماشات دولتهای غربی با اسلام سیاسی عمل کنیم۔ تاثیر فعالیتهای انسانی جنبش ما در دفاع از حقوق انسانی زنان و کودکان در محیط های اسلامی و پدرسالار غیر قابل انکار است. ما امروز شاهد عمیق تر شدن و قطبی شدن این مبارزه هستیبم. گوش های بیشتری به روی حرفهای ما باز شده است. سنگرهایی که ما در این مبارزه بدست آورده ایم غیر قابل برگشتند. ما از همان آغاز می دانستیم که امر به شکست کشاندن ارتجاع اسلام سیاسی در همه جا بر دوش نیروهای مترقی و پیشرو قرار دارد و تجربه سوئد نشان می دهد که ما به قدرت اعتراض و مبارزه مان می توانیم پیشرویهای زیادی در این راه کسب کنیم۔

از نظر ما کمونیستهای کارگری مذهب جریانی است که فی نفسه تبعیض آمیز خرافی و مغایر با آزادی و شکوفایی انسان است و از این رو نباید هیچ نقشی در موازین سیاسی و اداری جامعه داشته باشد. ما پیش از این به همت تلاشهای درخشان هما ارجمند موفق شدیم ممنوعیت دادگاههای مذهبی در استان اونتاریو کانادا را به کرسی بنشانیم و به همت تلاشهای چهره های سرشناسی همچون مریم نمازی، مینا احدی و شیوا محبوبی در کشورهای مختلف، اسلام سیاسی و سازش دولتهای غربی با این جنبش سیاه را به چالش بکشانیم. ما هر گونه موفقیتی در این نبرد را به پشتوانه نیرومندی علیه دست اندازی مذهب به جان و زندگی مردم در جوامع غربی تبدیل کرده و خواهیم کرد.

مبارزه ما اما پایان نگرفته است. برای ممنوعیت مدارس مذهبی هنوز اما و اگرهای زیادی مطرح می شود و یکی از خواستهای مهم جنبش ما یعنی لغو حجاب کودکان و همچنین برخی خواسته های مهم دیگر هنوز در دستور کار قرار دارد. ما یکبار دیگر همه آزاديخواهان، سوسياليست ها، مدافعين حقوق کودک، مدافعين حقوق زن، طرفداران برابرى و رفع تبعيض و مخالفان راسيسم را فراميخوانیم که در دفاع از ارزشهای انسانی، در دفاع از موازین سکولار خواهان ممنوعیت بی قید و شرط مدارس مذهبی، ممنوعیت حجاب کودک، ممنوعیت ختنه کودکان، ممنوعیت جلب کودکان به فرقه های مذهبی و مراسم و اماکن مذهبی، ممنوعیت هر گونه محدویت برای کودکان در محیط های اسلامی در زمینه ورزش، گردش علمی، موسیقی، شنا و غیره در تمام مدارس و مهد کودک ها و ... شوند و این مبارزه را تا آخر ادامه دهند.

در آخر می خواهم صمیمانه از همه کسانی که در این مبارزه نقش ایفا کردند تقدیر کنم. زنده باد پروین کابلی، مهین علیپور، خلیل کیوان، سارا محمد، سلیمان قاسمیانی، کریم شاه محمدی، افسانه وحدت، هلاله رافع، فریده آرمان، آمینه کاکه باوا، ماریا رشیدی، لیلا قرائی، دوین رکسوید و ... و فعالین بسیار دیگری که در این مبارزه سهیم بودند و آنرا همراهی کردند.